قائمقام رفیع - رئیس

کمسیون خارجه مجلس و وکیل سرنیزه را بشناسید

آقا رضا در جوانی - آقا رضا موقعیکه بریش رسید بچه طریق تحصیل تذکره تابعیت روس کرد - فعالیت رضا رفیع اوغلو در دستگاههای روسیه - انتقام گیری از آزادیخواهان اعدام چهارنفر در رشت - موضوع نیگبتین قونسول روس ومادام نیکیتین - اضطراب سگ جناب قونسول و بسیاری مطالب دیگر .

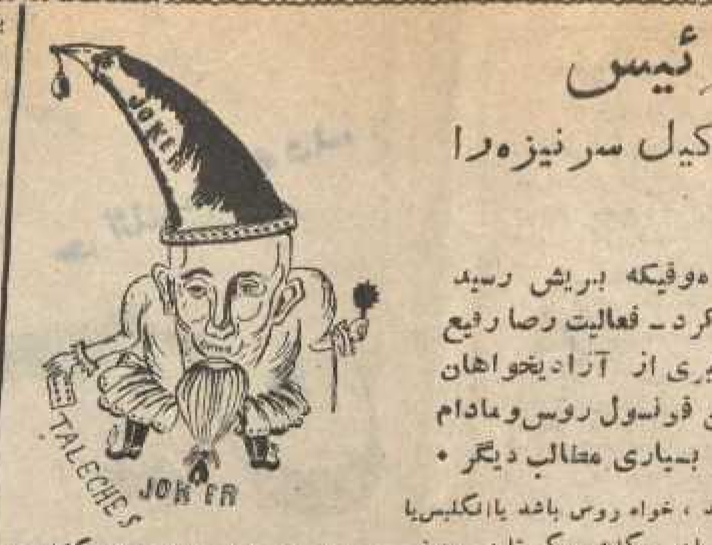

ازمواعظ آقای فلسفی درایام رمضان

هرکسی بااجنبی سازش کند دشمن خداست و هرکس با دشمنان خدا دوستی کند دشمن خداشناخته میشود ای مردم این کلام ، کلام خداست . بـا اجنبی سازش نکنید ، یاری نکنید ، نه پیوندید ، خواه روس باشد یا انگلیس یا امریك یاهر بیگانه دیگر تا در ردیف دشمنان خدا قرار نگیرید .

ایضاً ازسخنان آقای فلسفی مبلغ اسلامی پس ازارشاد فوق

. . . آقـای قائمقام رفیع مرد دینداریست مسلمان است باتقوی است خدمتگذار دین است یعنی اینکه هیچوقت باجانب نزدیك نشده بااجنبی سازش نکرده پشت بدین و رو به بیگانه نیاورده است پس دشمن خدانیست بلکه مقرب درگاه است .

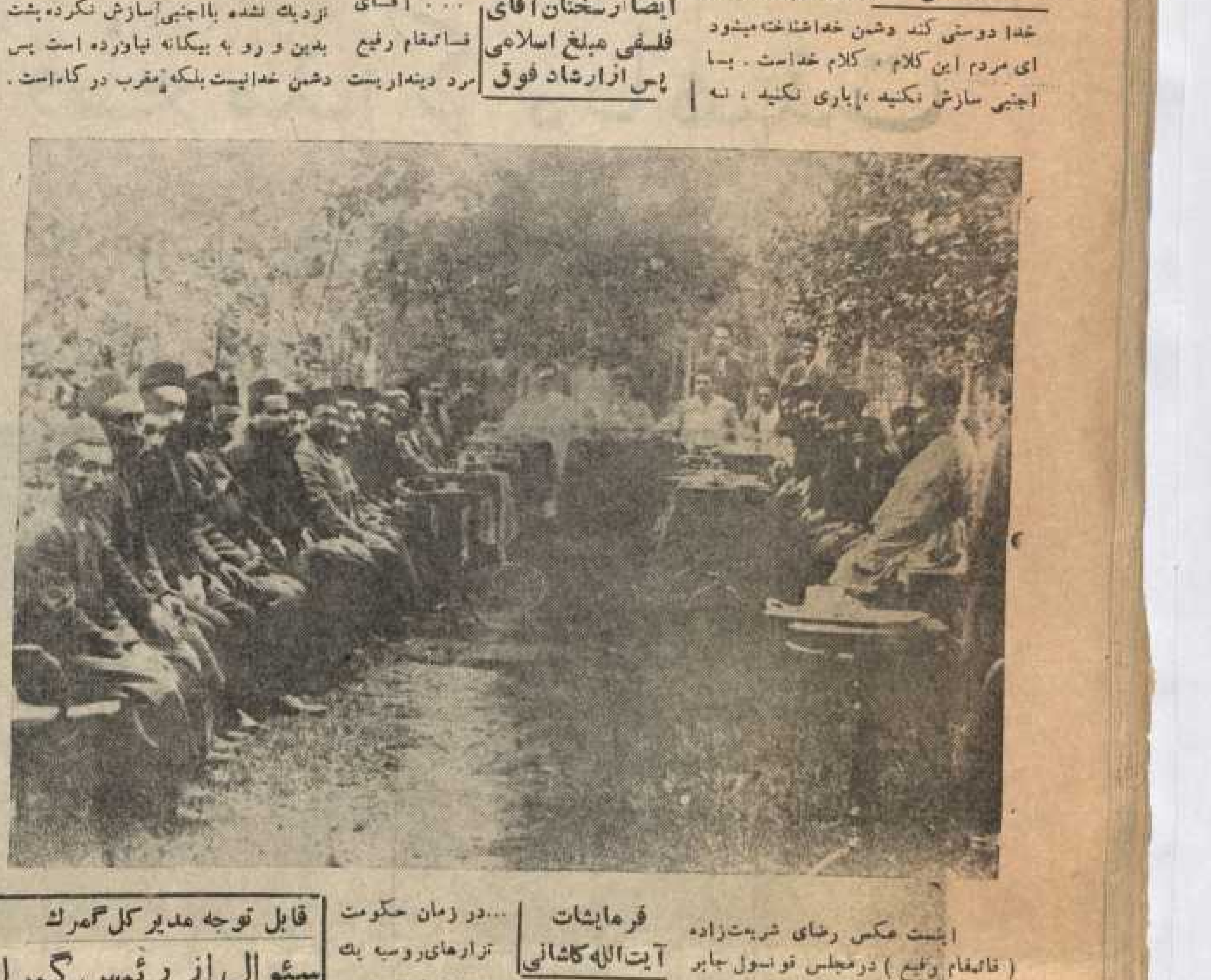

اینست عکس رضای شریعت‌زاده (قائمقام رفیع) درمجلس قونسول جابر تزاری نیکراسوف که عامل فجایع ۱۳۳۰ قمری در گیلان بود درست در موقعیکه روسها به تبریز ریختند وثقة‌الاسلام را شهید کردند بفرمان همین نیکراسوف که عکس آن در صدر مجلس در لباس سفید بنظر میرسد قزاقان روس بشهر تاختند وپس از کشتار مدهشی عده‌ائی ازملیون واعضاء انجمن ایالتی را دستگیر کردند چهارنفررا دررشت ودونفر رادر انزلی بدار آویختند درتمام این جریانات آقای قائمقام دخیل بوده است که شرحش رادر شماره آینده بـا عکس یکی از شهدا دنبال بیوگرافی کاساپادین شریکین یعنی آقای رفیع منتشر خواهیم کرد .

یگانه عمامه بسری که درسمت چپ عکس در ردیف اتباع روسی مشاهده می شود آقای قائمقام دیندار و خدمتگذار بدین‌ودولت است اینك از ایشان میپرسیم حضور ایشان در آن مجلس براساس چه دلیلی بوده است نماینده روحانیون رشت **در آن مجلس بوده‌اند ؟**

دارای سمت رسمی و سیاسی بوده‌اند که بحضور درچنین مجلسی ناچارشده‌اند؟

معامله تجارتی باروسیه داشته اند کـه باقتضای جلب نفع تجارتی حضور بهمرسانده‌اند

با اینکه درحیات پدرداراى ملك ومالی نبود [illegible] شخصیت بوده‌اند میتوانند ادعا کند کـه برای حفظ املاك خود نـاچار بمعاشرت باچنان مهاجم و آدمکش شده بود ؟ قائمقام [illegible]

در مجلس قونسول روس چه سمتی میخورد؟

[illegible] شرح عکس بالا وعلت تشکیل آن مجلس و سبب حضور خود رانیز برای روشنی اذهان می‌نوشتند تا اثر فرمایشات آیت‌الله کاشانی رااز خودشان دور میکردند

فرمایشات آیت‌الله کاشانی

. . . در زمان حکومت تزارهای روسیه یك عده تحت حمایت روسیه تزاری نسبت بمردم و حقوق آنهـا تعدی و اجحاف میکردند . . . پس از سقوط حکومت تزارها اتکاء تمام افراد و اشخاصی کـه بردوش مردم زحمتکش این مملکت سوار شده و تعدی میکردند فقط وفقط بانگلستان وسیاست استعماری آن کشور بوده است تمام عمال خائن درایران چه دردستگاه دولت وچه در خارج از دستگاه متصل به یك رشته بوده اندوسر آن رشته درسفارت انگلیس ودستگاه شرکت استعماری نفت بوده است .

تعجب گیلانی‌ها

حال معلوم شده است که چرا رئیس نظمیه‌راه کاندیدملی طالش را سد کرده وبعد بدرجه سرتیپی رسیده است .

چرا استاندار آن افتضاح انتخابات را بار آورده وسناتور گردیده است .

چرا ژاندارم صندوق را شکسته و آراء را عوض کرده و اعضاء انجمن از *اصلی وعلی‌البدل اعتراض وشکایت تلگرافی* بهمه مقامات تامینی وقضائی وبشاه وزیر مخابره نموده وجوابش نه‌تنها باسکوت محض بر گذار شده وبلکه پاپوشدوزی برای تلگرافچی بدبخت وتغییر و تبدیل هم بعمل آمده است زیرا وجود آقای قائمقام در مجلس بخصوص در کمسیون خارجه مجلس لازم بوده است تاآژانس وجاسوس باشد .

تعجب گیلانی در این است چنین شخص ملعونی که طبق ماده ۹۸۹ قانون مدنی از حق عضویت دردستگاه دولت و انتخاب شدن در انجمن‌های محلی وایالتی ومجلس شورا وسنا محروم است چرا مورد توجه دربار وافرادخانواده‌سلطنتی است ؟

چرا درساحت مقدس مجلس شورای ملی‌راه یافته است ؟ والاحساب دستگاههای دولتی‌را که آقای آیت‌الله‌ومعاطیش روشن کرده اند .

بقیه این داستان فجیع باعکس مقتول رادر شماره آینده درج خواهیم نمود

قابل توجه مدیر کل گمرك

سئوال از رئیس گمرك آبادان

آقای آذرسا — اتومبیل شورلت ۴۹ که ازپول کارمندان گمرك خریداری شده واداره کل گمرکات آن را اختصاص بتعقیب قاچاق داده بچه مناسبت آن را در اختیار مأمورین مربوط نمیگذارید و باآن‌اتوموبیل کارهای شخصی انجام‌داده وفرزند شما بدون داشتن گواهی‌رانندگی در خیابانهای آبادان آن را مورد استفاده قرار میدهد ؟ درشماره‌های آینده مطالب قابل توجهی مربوط بگمرك و بند و بست های نگهبان و منصور غالبی - که عباس تمدن را بدرواژه فرستاده تا بـا داراب حق و حساب گرفته تحویل آقای روشن که فامیل خیلی محترم رئیس گمرك آبادان بدهند وسایرعملیات گمرك را اقدام بدرج خواهیم نمود

اقدامات اداره گارد مسلح آبادان

طبق بخشنامه ای کـه از فرماندهی کل گارد‌مسلح صادرشده‌بودسرکار سرهنگ احمدیان کلیه افسران ودرجه‌داران گارد آبادان وخرمشهر را دردفتر خود جمع طی سخنرانی مبسوطی‌عواقب‌خیانت بوطن واجازه خروج خواروبار از مرز کشوررا متذکر شدند .و اضافه نمودند در تاکید اوامر دولت دستور اکید صادر گردیده که اجازه خروج خواربار از مرزداده نشود - پس‌از یك ساعت‌مشاوره‌واستفسار ازمعایب کارهاوطرق جلو گیری‌ازخروج خوار بار کلیه‌افسران‌ودرجه‌داران‌اطمینان خاطر دادند که از هیچگونه فداکاری‌در راه اجرای‌منویات‌دولت و نظر فرماندهی خود دریغ ننمایند - ماامیدواریم از نظر حفظ وتامین خوار بار کشور مسئولین‌باید متوجه وظیفه خطیر خود باشند خبرنگار روزنامه‌افشین بامراقبت‌کامل ناظرجریان خواهد بود واین اقدام مقدماتی‌سرکار سرهنگ احمدیان‌شایان توجه میباشد

خبرنگار افشین از آبادان . ك ف .

بقیه از صفحه ۱

قتل فجیع

چندی قبل اهالی محترم آبادان اعلام جرمی بدادستان آبادان تقـدیم نمودند که رونوشت آن‌اعلام‌جرم بیازپرس شعبه یك ارسال گردید .

بازپرس شعبه یك آقای مـدرسی بلادرنك با استفاده از اختیارات قانونی اقدام به تعقیب دایر کنندگان ۲۲ باب فاحشه‌خانه وقریب‌صدو بیست شیره کشخانه و بیست‌باب قمارخانه که ضمیمه اعلام‌جرم بود نمود ما در این مقاله از اظـهاریات و دستورهای دادستان آبادان در مورد تعقیب این جرائم مشهود و اینکه درذیل پرونده‌بازپرسی‌چه تذکر قانونی باخلاف قانون دادند صرف نظر میکنیم ولی این تذکرات‌را ناگفته نمیگذاریم و برای آنکه بجرم حقیقت گوئی یقه ماراانگیرند.

این گفته (شایع است و میگویند را) اضافه میکنیم (کـه انشاءالله شهربانی آبادان پاسخ دهند شایعات‌مسموع نیست اگر نویسنده مدارکی دارند ارائه دهند و توضیح دهند تا افسران خاطی مورد تعقیب - باصطلاح قانونی قرار گیرند.

بهرحال میگویند درزمان تصـدی سرکار سرگرد ملك‌اسماعیلی از هرباب فاحشه‌خانه درماه پانصدتومان اخذ میشد یعنی ۲۲×۵۰۰ مساوی ماهیانه یازده هزار تومان طبق تحقیقاتی که بعمل آمد این حساب یك نقطه آن کم‌وزیاد ندارد و این وجوهات تاقبل‌ازریاست کلانتری ستوان یکم اسکـوئی بوسیله استوار بازرگانی و رضا گمیل شوفر وفـادار سرگرد جمع آوری و بدون سرخر بجیب سرکار سرگرد ملك‌اسماعیلی میرفت و در میان فواحش شایع نموده بود که من رئیس کلانتری ثابت نخواهم گذارد که بماند و ازشما حق‌وحساب مطالبه کند و بهمین دلیل این مدعاهم روشن است

بعداز توبش سرهنگ قریب‌سروان گودرزی را از ریاست کلانتری معزول بعداز سروان گودرزی سرگـرد بهنام رئیس کلانتری شدند .

در اثر اصطکاك منافع و همدرجه بودن‌دوافسر کلانتر باعواملی که پیش‌آمد دایره راهنمائی را به‌آقای سرگرد بهنام دادند و درنظر داشت شخص مطیعی را رئیس کلانتری مرکز کند .

متاسفانه‌سروان عبادی‌طبق‌توصیه‌ای که از آجودانی شهربانی کـل داشتند رئیس کلانتری مرکز شد .

سروان موقتی وارد جریان شد مشاهده کرد که‌ماهی یازده‌هزار تومان که نقشه‌اش‌را کشیده بودبجیب‌سر کلانتر میرود .

وبانفوذعجیبی که درتمام حوزه‌ها کلانتری احمدآباد کلانتری پنج کلانتری مرکز کلانتری سه‌همانطور بترتیب بالا بوسیله حسن‌آقا چایچی رفیق سرگـرد ملك اسماعیلی و استواربازرگانی‌وحسن آقا چایچی از کلیه‌شیره‌خانه وقمارخانه هنگفتی به‌تناسب وضع قمارخانه پانصد تادویست تومان اخذمیشود وازهرقهوه خانه مخصوصا آنهائیکه بافوردارند .

ماهی پنجاه تومان که ما بطور کلی حساب قمارخانه‌ها و شیره کش‌خانه ها راکه بترتیب هفتگی‌جمع‌میکنند صدباب خانه حساب میکنیم خانه‌ای سیصدتومان حداقل ماهی سی‌هزار تومان‌میگردد .

بشرافت مقدس‌ترین افراد بشریت ازاین رقم‌هم بیشتر وصول میشود آقای عبادی‌رئیس کلانتری باوضع‌عجیبی‌روبرو شد خیلی از جریانات‌فوق کسل‌شده‌بود باآنکه سرگرد برای‌حق‌السکوت (دمدری های) فاحشه خانه‌ها که ازهر باب خانه صبح بصبح پنج‌تومان بوسیله پاسبانهای پاس محل میگیرند در اختیار کلانتری گذاشته بود که حساب آن پنج تومان باخانه‌های کم‌منفعت که دریافت میدارند سی‌خانه مساوی ۵۰×۳ مساوی یکصدوپنجاه‌تومان میگردیدو ۳۰×۱۵۰ مساوی بماهی چهارهزار و پانصد تومان میرسد خوشبختانه سروان عبادی حاضر بقبول این عمل کثیف نشد .

بخبرنگاران گفت بگذارید فرار کنم .

این ریاست کلانتری را نخواستم بالاخره‌به‌بهانه مرخصی از آبادان‌خارج شد .

بعدازاوروشن‌افشار رئیس کلانتری گردید .

اوهم بسرنوشت دیگری گرفتار شد تاآنکه سرگرد معبود خودرا یافت یعنی ستوان یکم اسکوئی که جوان سینا پاکدامنی است بریاست کلانتری معین شود واوهم از نقشه باخبر بود خود را تاحدی کنار کشید .

ولی سرکلانتر در مقابل دستور رئیس شهربانی برحسب اقدام بازپرس دادسرای آبادان بعمل‌آورده کمیسیونی باصطلاح بنام مبارزه بافساد در آبادان بریاست سرهنگ حشمتی و شمس که در تهران مانند کفرابلیس در اخـاذی ید طولانی دارند تشکیل شده بوددرمقابل عمل انجام شده‌ای واقع گردید .

سرهنگ‌حشمتی شمس‌را جلوانداخت اول از منزل خانم تهرانی‌شروع کردند در روز روشن بمنزل او رفتنـد وآن سردسته شیاد را باأخذ پانصد تومان‌اجازه ادامه فساد باودادند سردستگان بوظایف خودآشنا شدند و دیگر کسی بسرگرد ملك اسماعیلی و کلانتری توجهی نکرد ملك‌اسماعیلی کـاملا قافیه‌را باخته بود بهرعنوانی که‌بود باهزاران تلاش‌وتوصیه سرهنگ مقدم رئیس‌شهربانی آبادان که خیلی بادادستان هم گرم‌میگیرندومحبت دارند نمایندگی بنام ستوان یکم منجمی که افسر نگهبانی کلانتری مرکز بود گرفتند تا اینجا بازمراد ملك‌اسماعیلی برآورده شد .

روزبعد درشب نمایندگی برحسب دستورسر کلانتر ستوان یکم منجمی بعداز عبور از چندخانه احترام سگی ومهین وایران شیرازی و سوزی‌مصونیت‌داشتند نه‌نه توران راگرفتند که او هم بوسیله احترام سگی که کلوبندیکی‌از زنان آن خانه را بگروگـرفته بود نزد دادرس جدیدالورود دادگاه آبادان‌برده باهزار تومان نجات‌یافت .

درحالیکه سردسته‌دیگری‌بنام پری‌محمد شوفربهمین جرم مشهود با ۵۰۰۰ تومان وجه نقد زندانی است

آفرین باین دستگاه عدالت‌آفرین باین شهربـانی ، آفرین باین کمیسیون مبارزه با فساد و این دادرس دادگستری واما قتل هوشنگ یادگار که بضرب دو گلوله درخانه‌اش‌بقتل رسید چه‌بوده

هوشنگ یادگار جـوانی ۱۵ ساله ورزش‌کارمحصل کلاس ۹ سابق‌دبیرستان رازی که درجوار خانه‌شان دوشیره کشـ خانه وجود داشت بارها شکایت‌واعتراض میکرد ، کسی توجهی‌نمیکرد . خودشخصاً چندین بار درآن شیره کش‌خانه‌هـا را شکسته و بساط شیره خانه‌ها را بهم میزد این وضع باعث میشود موقعیکه حسن‌آقا رفیق سرگرد ملك اسمعیلی برای گرفتن هفتگی میرود میگویند اگر این وضع باشد ما یکشاهی بسرگرد نمیدهیم سرگرد که مترصد احوال بودیك‌پاسبان امرمیکند هر کجا که هوشنگ یادگاررا یافت بکلانتری بیاورد اگرنیامد اورا معدوم سازد تا اینکه در هف درحالیکه پاسبان اورا تعقیب میک داخل دالان خانه هوشنگ بضرب پاسبان بقتل میرسد ودر پشت بام همسایه‌شان ازپا درآمده ودربیما درمیگذرد

درتوضیحاتی که پاسبان داده صریحاً اعتراف‌نمود سرگرد ملك‌ا بمن امر کرده که من اورا بقتل بر جیه بـگویم او میخواست اسلحه بگیرد .

آری‌برای دوآمدنامشروع مراکز فساد چنین عواملی را لازم آقای ملك اسمعیلی ما وظیفه خو قلباً نسبت بجوان مقتول انجام داد اطمینان داشته باشید که چنین بو نواولاد تونخواهد شد و از اعما مرتکب شده‌ای ایمن مباش.

نفهمیده بی خرد آنکس است
که‌بشکست دیوار و بایش

بقیه از صفحه ۱

سوم شهریور

درجه‌داران بی‌لیاقت رضاخانی مارشالهای بی کفایت دوره دیکتاتوری مظفرانه : عقب نشینی نمودند و دریا صفت باهزار ناجوانمردانه سنگرهارا برای ورود دشمن خالی و مرزها را آزا گذاشتند ،

بجزعده معدودی از سربازان‌حقیق علاقمند بوطن و جانبازان واقعی کشور بقیه درهمان‌لحظه‌اول شنیدن صدای بداخل کشور پناهنده شده و بر روی اندوخته‌های بیست ساله و گنجینه‌های شمار خود در آغوش همسران سیمی زیبا دراز کش جبهه ! گرفتند ،

آری ملت محروم وستمدیده ایرا مردم گرسنه ومفلوك یك‌عمر قسمت‌اعظم بودجه خودرا برای تهیه ساز و برگ تجهیز قوای ارتش در طبق اخلاص نها ومفتخرانه تقدیم‌میداردوحتی‌ازبهداشت وفرهنگ وخوراك وپوشاك صرفنظر می کند تا شاید چنین روزی‌بادفاع‌ازسرحد کشور و جلوگیری از تجاوزات دشم خاك میهن وحیثیت تاریخی او حفظ شو وقطعه باستقلال وحاکمیت ارضی‌اووارد نگردد بدبختانه هروقت که چنین امتحا پیش‌میآید باشکست وناکامی واز دست رفتن تمام حیثیت تاریخی خود مواج میشود ،وجز سرافکندگی نصیبی‌نمیگی

بهر حال قوای بیگانه در شهریو ماه ۱۳۲۰ وارتش‌متفقین بیطرفی کشو مارا که بدنیا اعلام شده بود نقض کر واز هر طرف بخاك ما وارد شدند «پل پیروزی» از همـه چیز ما استفا کردند .

راه آهن ، کارخانجات و راه شوسه ، فرودگاه‌ها . کلیه موسسا آنچه راکه ازاشك چشم یتیمان و خو دل بیوه زنان باجبر و اکراه در بیست سال تهیه شده بود برای پیروزی نثار قدوم سربازان دول گردید .

شکیبائی و صبر وتحمل مردم کشیده باتهارسید .

آخرین رمق هستی ازدست آنها ربوده شد وشدیدترین مصائ برروی دوش خود حمل نمود تامتفق شکست‌ارتش‌آلمان هیتلری‌شاهدپیرو را درآغوش گرفتند .

وآخرالامر همین‌دولتهائی که باسما برای‌آزادی ملتها ظاهرآجنگ میکرد وبا لگد مال کردن خاك کشور ما کشتی شکسته ومغروق‌خود را نجات‌رسانیده بودند .

بجای پرداخت غرامت و زحمات طاقت فرسای ملت ما با آذربایجان وایجاد خرابیهای استقرار وحمایت از مزدوران خائ راس تشکیلات وغارت هستی و مردم برپریشانی و بدبختی‌های مو افزودندوهنوزهم شرارهای این از آتش خانمان برانداز متفقین سر میگیرد وچنانچه فداکاری مردان مبا باشهامت کشورواز‌خود گذشتگی‌جو با حرارت ومهین پرست نباشد هست موجودیت کشور مایکباره‌معدوم‌ونا خواهدشد .

بقیه از صفحه ۱

اشراف زاده‌ها

« مقاله زیر بقلم‌یکی از کارمندان شرکت‌سابق نفت است .شرحی که در باره دربار وسایر خصوصیات ایران در اصل مقاله نوشته‌شده بود چون باسلیقه مترجم مغایرت داشت‌لذا در ترجمه حذف گردید »

* * *

دو ماه قبل بمنظور انجام ماموریت خبر گزاری کمپانـی سابق نفت از طهران خارج شدم و موقعی بود که محمد مصدق نخست‌وزیر در پارلمان اظهار میکرد که با ملی کردن نفت‌کارش نیز خاتمه مییابد ولی پس‌از خـروج ازجلسه بشدت مورد حمله بعضی از و کلاء‌قرار گرفت وحال غش بوی دست دادبقسمیکه دو منشی مجلس او را بطبقه اول منزلش بردند .

دکتر مصدق‌در حدود ساعت ۷ درحالیکه پیژامه بتن‌داشت روی‌تختخواب درازکشیده و لیوان آب‌هم در دست داشت مرا بملاقات خود پذیرفت .

در دیوارهای منزلش چیزی دیده نمیشد . یك میز کوچك دوچمدان ویك ماشین تحریر سویسی مبل‌اطاقش را تشکیل میدادند.

نخست‌وزیر که خیلی خسته بود نفس نفس‌زنان دستش را بطرفـم دراز کرد و گفت:

— گزارش عزیمت‌تان‌را خواندم، ماموریتی که کمپانی بشماکارمندایرانی داده معرف کنجکاوی‌ودقت شماست ...

نه‌سال تمام کارهای‌عمده دفتر مطبوعات انگلیسی شرکت سابق رابعهده داشتم و مخصوصا ماموریت ارتباط باروزنامه‌نگاران ایرانی بامن‌بود .

نخست وزیر میگفت من انگلستان و فرانسه وایتالیا و سویس رابخوبی می‌شناسم. پدرم در زمان ناصرالدین‌شاه‌وزیر دارائی بود ونقل‌قول ازشاه‌میکند که:

« برای ایرانی مسافرت اروپا کار پرزحمتی است و اروپائیها بقـدری از انسان سئوال میکنند که فرصت جواب‌شنیدن را ندارند ..»

این موضوع کرارا درمراحل مختلف مسافرت یادم میآمد مثلاانگلیسها از من سئوال میکردند :

— مصدق چه‌جور آدمی است؟

ابتدا فکر میکردم که آنان از صمیم قلب میل دارند شخصیت او را بشناسند . منهم توضیحات‌برطول وتفصیل میدادم ومیگفتم کسی سن قطعی‌نخست‌وزیر را نمیداند ولی واضحست که ایشان در سال ۱۲۴۹ شمسی دردربارمجلل قاجار متولد شده‌اند اما پس‌از ۱۳۲۱هرسال جشن شصت‌ونهمین سال تولدش‌را میگیرد شاید برای اینست که‌یکی از مواد قانون انتخابات و کلاءسن کاندیدهای وکالت را کمتراز ۷۰ سال تعیین میکند.

مادرش نجمه شاهزاده خانم زیبا دختردائی شاه است .

مصدق دوره جوانی خود را درقلمرو سلطنت بشکار آهو گذرانید .در ۱۵ سالگی بحکومت رسید .. من همینطور که ادامه میدادم یکمرتبه حرفم‌را قطع میکردند و سئوال دیگری که کاملا مخالف اولی بود ازمن‌میکردند .

معذالك گفتگوی‌نفت درباره نخست‌وزیر بحدیست که بجزءجزء ازآنها نمیتوان چیزی فهمید .

مصدق بطوریکه گمان میکنند نام فامیلی نیست بلکه تیتری است که‌شاه داده ویکی از القاب‌اعطائی و معنیش اینست‌که: « کسیکه نجابت ذاتی داردو ثابت آنست »

مصدق در ۱۵ سالگی همینکه باین عنوان ملقب گشت مایه امید ایران گردید ولی مصدق روح انقلاب شد و درسال ۱۲۶۷ در صدد واژگون کردن شاه مستبدالرای و بیرحم که بر کشور و ۵۰ زن سلطنت میکرد برآمد.

شاه جوان تبعید و باروپا جلای وطن کرد درحالیکه دوبچه وخانمش را درگرو ایران گذاشت در پایان صحبت ما که دراطاق مصـدق و درمجلس بود قبل‌از اینکه بشاشی خود امیدوار باشم نخست‌وزیر چشمانش رابست واحساسات مرویش باتغییر قیافه تسکین‌داده گفت:

« درپاریس بکوچه سنت پیر ، سری‌بزنید درآنجا اطاقی است که بقرار یك‌فرانك درماه اجاره میدادم و در(سوربون) درس‌میخواندم.

من جرات نکردم باایشان عرض‌کنم که‌آن بنا خراب و ازبین رفته است مصدق جوان با اعانه‌مختصری که زنش برایش میفرستاد زندگی میکرد امادر مقابل محرومیت و اضطراب مقاومت نکرد و مریض شد.

پس‌از ٤سال اجازه ورود بایران رادریافت ولی ابدا موفق‌نشد که از زخم‌معده‌اش خلاص شود .

چندین سال گذشت و درد وآلامش بجای بهبودی زیاد شدند.شوفرش که تنها همدم اوست میگوید امسال مصدق یکساعت استراحت واقعی نکرد خواب از چشمانش فراری است.

در تمام مدت شب باچشمان باز بیك نقطه سقف نگاه میکند وبابیخوابی و شب زنده‌داری نظیر درویشهای دوره‌گرد ایرانی مبارزه میکند.

در میدان بازار تهران درویشهائی دیده‌میشوند که بحالت جمادافتاده‌و دائما بیك‌چیز ثابت نگاه‌میکنند که اگر شمشیر بطرفشان کشیده‌شود تکان میخورند مصدق‌هم اینحالت را از آنان بارث برده است در سال ۱۳۱۳ رضاشاه پـدر شاهنشاه فعلی توسط پلیس مخفی خود مصدق را توقیف کرد.هرچند که وی‌خیلی مریض بود (دربرلن یکی از متخصصین برای دوسال ایشان‌را معالجه کـرده وتازه از این سفر برگشته بوده) اما بنا بدستور شاه در زندان‌زیر زمینی در محبس سیاسی زندانی گشت .

مصدق مدت ٤ سال‌ونیم فقط بانان بسر برد وبانیروی‌عقیده و ایمان و اراده تزلزل‌ناپذیر بدون دکتر و دوا زندگی کرده‌دختر جوان ۱۷ ساله‌ای راکه دکتر قصد ازدواج باأو داشت از نگرانی و اضطراب در بستر بیماری افتاد و مریض شد و پیوسته درسناتوریم سویس تحت درمان قرار میگیرد.

نخست‌وزیر آدرسش را بمن داد و آخرین سفارشش این بود .

- بملاقات اوبرو.

پس از ادای این سخن مصدق صورتش را بادستهای خود پوشاند و مـن بچشم خود دیدم که قطرات اشك از لای انگشت‌ضعیف‌وی جاریست.

تمام روزنامه‌های اروپااز استعداد گریه‌های نخست‌وزیرچیزها نوشته‌اند استهزاء بعضی ازروزنامه‌ها باعث تعجب من‌شد .

مسیو (بوون) ۱۵ روز قبل‌از مرگش به‌سیرفرانسیس‌شپرد سفیر کبیر انگلستان در ایران چنین اظهار کرد .

- اطباء مرا ازکار کردن جلوگیری میکنند وحال آنکه محمد مصـدق بیشتر از من مریض است و اینمرض او را از شدیدترین حملاتیکه بمامیکنند وما تحمل میکنیم جلو گیری نمیکند .

این اراده‌ای که باعث تسلط نخست‌وزیر بمرضش شده منحصر بایمـان مذهبی است .

مصدق درسال یکمرتبه بمسجد میرود ولی هرروز چندین ساعت بعبادت میپردازد . ازطرف دیگر هیچ پیش‌آمد مهمی درشرق اورا از تعصب مـذهبی منحرف نمیکند .

وی ایمان محکمی دارد . قبل‌از عزیمتم در یکی‌از نمایشات عظیم تهران حضور داشتم متجاوز از صدهزارنفر درمیدان مسجدشاه جمع بودند .

در پشت بلندگوی براق مرد کوتاه‌قد مناتری در جامه سیاه شلاله‌دار باحرکت دادن دست صحبت میکرد .

اینشخص آیت‌الله کاشانی بزرگترین مرد والامقام مذهبی ایران است .

او بـا اراده خود میتواند جلو تعصبات مردم را گرفته یا آنان را آزادبگذارد ایشان مورد قبول عامه میباشند و بکمك آیه‌های قرآن دفاع کرده‌ومردم‌راتحت تاثیربیان خودقرار میدهد ومیگوید .

مردم باید در آبادان پیشرفت کنند و این‌جنگل لعنی‌را که ازفلز‌ساخته شده است خراب‌و تمام چاههای نفتی‌را مشتعل سازند تا باینطریق‌علت نزاع و گفتگو معدوم‌ونابود گردد.

مصدق ابدا آبادان را ندیده است همینطور در ایران اشرافزاده‌هانیز از مسافرت بجنوب ایران وطی هزاران کیلومتری کـه پایتخت کـوچك را از بزرگترین تصفیه‌خانه دنیا جدا میسازد نفرت دارند کشورشان شمالست که در آنجا فرش میبافند و جوهر گل‌سرخ استخراج می‌کنند . طهران حد فـاصل تمدن است .

همانطور که مالکی اطاق زیرزمین ناسالـم و مفروش منزلش راباامیدی اجاره میدهد جنوب گرمسیر نیز بخارجی داده شده است .

در اوایل مسافرتم باروپا بمحله جنوب شهر رفتم بمنظور ادای ادب بعضی از سفرارا دیدن کنم. برحسب تصادف منزل سرفرانسیس مقابل خانه‌مسیو سادچیکوف سفیرروسیه بود هردو قصرشان از دیوار بلند و محوطه دیگـری محصور است.

دوماه است که دونفر قاصد باهم خیابان مشترك سفارت را طی کردند. یکی ازآنها بمحل‌آژانس رویتر رفت و دیگری‌که چکمه‌ای پا و کلاه چرمی بسرداشت وسوار موتورسیکلت بود بطرف دفتر مرکزی تلگرام رفت وحامل پاکتی برای مسکو بود هردوهم جنك نفت را باطلاع مقامات‌مربوطه رساندند .

سرفرانسیس چند روزبعد مرابحضور پذیرفت .

وی یکسال است که از باتاویا آمده ودر مدت توقف درآنجاموجبات زوال قدرت کلنی‌هلندی را فراهم‌ساخت.

چون من برایش مطالب تازه‌ای ازملی شدن نفت داشتم درپاسخ‌بمن گفت: صبر کنید. هردوتنهائی آرام خواهند شد.

من چندی بعد بدوستان انگلیسیم تعجب و شگفت خود را درمقابل‌اعتمادی که‌او داشت وبنظرم بیمورد بود بیان کردم .

طرفداران مصدق (که از اجتماع ملی تشکیل‌یافته و شبیه دستجات دوگل در فرانسه است) خیلی‌قوی‌اند پس‌از کناره گیری حسین عـلاء نخست‌وزیر وقت سیاست انگلیس جز در قصر سلطنتی طرفدار نداشت من چندین دفعه محمد رضا شاه را ملاقات کردم .

نیمرخ ظریف و برش انگلیسی لباسهایش در اروپا وآمریکا که در سال اخیر مسافرت کرده بودند معروف است‌در تهران اغلب شاه را [illegible] میدان مسابقه یا دریکی از سه کازینوهای محله شمالی میتوان‌یافت .

ببازی میل مفرط دارند . موقعیکه بچه بودند باسربازان پدرش در حیاط قصر بازی انگشتانه میکرد .

روزیکه رضاخان مغضوب او را زندانی کرد متعجب شدند ولی چندساعت بعد شاه فهمید که پسرش در نهایت آزادی درطالار بزرك مرکزی‌قصرمشغول گردش بود و با مستحفظین نظامی ازآزادیش استفاده میکرد شاه فعلاهم‌ساعات متمادی بمطالعه ترکیبات گردونه خود میپردازد.

در محوطه وسیع از قصر پنج بیرق منفرد دیده‌میشود . دردرب مرکزی بیرق آبی‌رنك باشیروخورشید دراهتزاز است .

شاه خودشان طیاره مرسدس را میرانند داخل طیاره از فرشهـای قیمتی مفروش‌اند که حتی در مسافرت هم همراه ایشان بوده و ازخود دورنمیکند.

شاه در مسافرت‌بامریکا از این طیاره استفاده کرد وتمام‌موسسات‌بررسی نفت‌را بازدید کردند .

دولت‌امریکا موقعیکه برای قول گرفتن در مورد نفت‌شاه رادعوت کرد درجشنی که بافتخار ایشان دادند چنین گفت:

- ماچندان قدرتی نداریم اما فراموش نکنید اگر آمریکادرسال ۱۳۲۹ تمام محصول آبادان را خریداری میکند درسال ۱۳۳۲ چندان احتیاجی بآن نخواهد داشت.

ح- حجازی کناری

سوءظن...

(۲)

آری من میخواستم از قیدی کـه سالیان دراز آرزوی آنرا داشتم و با مشقات فوق‌الطاقه برای خود تدارك نموده بودم فرار نمایم .

اصلا حالتی بمن دست داده بود که تصور حقیقت آن برای من آسان‌نبود وقادر نبودم این راز درون خود واین سوزنهانی خودرا افشاءنمایم وازچنگال مخوف تیره روزی خود رها شوم . هرروز ازروز بیشتر ونزارتر و هر لحظه زیر فشار افکار وتوهمات پوچ وبیمعنی فرسوده‌تر بودم .

مثل اینکه هرگز میل نداشتم هیچکس از راز من سردر آورد ومثل‌این که میترسیدم اگر رازم همچون روز آفتابی شود لطمه‌ای بمن خواهد رسید غافل ازاینکه آنهنگام احتیاج‌وافر براهنمائی دوستان حاذق داشتم و از کجا معلوم که دچار یکنوع جنون نشده بودم .

از پدرم هراس داشتم واز خواهران‌وبرادران خود بیم داشتم وازمادرم گریزان بودم .

خانه وزندگی برایم جهنم شده بود وهیچوقت مایل نبودم درخانه بمانم آنقدر دچارهیجانات فکری شده بودم که راه‌را از بیراه و تمیز را از نا تمیز تشخیص نمیدادم .

بیچاره جمال - آن جمال زیبای ملکوتی خود را بباد بی اعتنائی میسپرده بودم هر چه نوازشم مینمود ازطریق ملامت جواب میگفتم فقط دلـم میخواست آزادباشم - من‌آن هنگام‌نمیدانستم و نمی‌فهمیدم که از آزادی چه طرفی‌خواهم بست و منظورم از این همه خودسری ولجام گسیختگی چه خواهد بود .

جمال‌عقیده داشت که یکنوع‌جنون عارض من شده وممکن است بامداوا ومدارا حالت از دست رفته خود را باز یابم و در تعقیب همین عقیده پزشکان حاذقی را بخانه هدایت میکرد واز آنان التماس فراوانی در مراقبت و اعاده صحتم راتقاضا مینمود .

من از درون دل باین صحنه‌ها میخندیدم واز اینکه تا این میزان مورد نوازش ومحبت جمال هستم حظ میکردم ولی سعی داشتم برروی خود نیاورم و سرکشی نکنم که تغییر این صحنه‌ها راموجب شود وعقیده‌ام این بود که درخود سری ولجام گسیختگی ازحدود متعارف خارج شوم ودست باقداماتی بزنم کـه کام دلم برآید .

افسوس هنوز هم که هنوز است نفهمیدم این دیوانگی من از کجا ناشی شد و برای چه بوده است .

آخر منظور من ازاین همه بی‌پروائی چه نتیجه داشت اکنون اعتراف میکنم اگر بجمال درظاهر بی‌اعتنائی مینمودم‌باطناً دوستش میداشتم ومی‌فهمیدم باید اورا دوست بدارم واز اینکه ازاین دوستی به‌بهترین صورتی جلوه‌نمینمود خود شرمنده بودم .

دلم میخواست اورا داشته باشم و از دست ندهم ولی نمیتوانستم آثار زیبا و فریبنده محبت را باو نشان دهم - این احوال ضد و نقیض پیوسته رنجم میداد وبی آنکه حظ کافی یعنی آنطور که دلم بخواهد بگیرم اورا یعنی جمال خودرا آزرده داشتم .

بیچاره جمال ! — جمال هر روز ازروز پیش بیشتر دوستم‌میداشت و مثل اینکه دوستی او تبدیل بیکنوع حس ارفاق و مساعدت شد ولی کم کم احساس نمودم که جمال روز بروز سردتر واز تب تابی که برای من داشت بری میشود ومثل اینکه بگذشته خود افسوس میخورد واز اینکه پایان زندگی خود را با زن دیوانه‌ای تمام میکند مکدر بنظر میرسید.

این آثار را من بخوبی از چشمان خسته وقیافه غمگین ورفتار ساکت‌و حالت‌آرام او احساس مینمودم - قدری پیش خود فکر نمودم که خودرا ازعرصه سوزان این حالتی که شعله‌هـای آن خرمن هستی مرا تهدید میکند خارج سازم ولی یك ندای بی‌جای‌درونی که ازهواهای نفس اماره الهام میگرفت از تصمیم بازمیداشت‌ووسوسه‌های‌شیطان نامرد مانند یك آهنك دلنواز موسیقی‌از مجرای روح سراپای وجودم را فرامیگرفت - وبتکرار اعمال گذشته قویاً تشویقم‌مینمود تاآنجا که من خود تصور مینمودم واقعاً دیوانه‌ام ودر این حال بود که به‌پزشك مراجعه نمودم واز نتیجه تحقیقاتی که بعمل آمد جواب منفی داشتم .

جمال هم که جریان را چنین دید مرا بحال خود گذاشت وبا مراقبینی که برایم تعین نموده کمتر بدیدنم می‌آمد ولی من می‌فهمیدم منظورش این بود که اگر ازدیدن اوناراحت بودم مدتی اورا نه بینم اوغافل بود که سراپای‌وجودم باو تعلق داشت - او نمیدانست که تا چه اندازه دوستش داشتم ولی از بخت بد تأثیر جنون جوانی وتمایل بیکنوع خود مختاری پرده‌ای — آنهم پرده‌ای نازك بین ما حایل نموده ومعلوم هم‌نبود دوام این‌پرده تاچه اندازه بوده باشدولی‌هر چه بود بی‌فکری بود .

من که دوری جمال را احساس نمودم باالحاح‌خاصی از خانه خارج میشدم وبا آرایش زننده وموهنی از راه وبیراه وازکنار جاده‌ها بالا وپائین میرفتم ودر برخورد بارفقای تحصیلی روی خودرا برمیگردانیدم و مایل نبودم‌هیچکس بامن صحبت‌نماید .

مقصود من معلوم نبود - نمیدانستم بکجا میروم ویا چرا مدتها در مغازه فلان خرازی بتماشا می‌پرداختم بی‌آنکه چیزی خریداری نمایم مراجعت‌مینمودم.

بارها اتفاق افتاده که بایکی ازدوستان جمال مدتهاگرم صحبت وحتی با او همقدم میشدم‌چه بسا اتفاق افتاده است که جمال در آن حال سررسید و باحالتی که توأم بابغض وحسادت بود بی‌آنکه اعتنائی نماید از کنارم میگذشت وآتش بجان من‌می گذاشت نتیجه‌اینکه جمال‌از رفتارم مظنون شد وظاهرا نتیجه گرفت که رفتار سابق من براساس دروغ نهاده بود وخیال می‌نمود که شاید این همه نیرنگ‌ها برای آن بود تازمینه جدائی خود را فراهم سازم واز اودوری‌جویم .

میدیدم‌جمال‌زیادغصه میخورد وهر دفعه که بدیدن‌من میآید آثار کدورت ازسیمای او پیدا بود .

ابروان پیوسته وپرپشت اوچون دانه‌های زنجیر درهم وبرهم و پیشانی بلند وبازنین وصاف او ازچین‌های متعدد پوشید میشد .

جمال خیلی خسته بنظر می‌آمد وتصور اینکه در زندگی زناشوئی دچار خیانت شده است زیادگرفته بنظر میآمد .

او بیقین نسبت بمن ونسبت باعمال من‌مظنون شده وپیوسته مترصد کشف حقیقت بود دیگـر حالت ارفاق و مساعدی کـه سابقاً دربارهٔ‌ام مرعی می‌داشت رعایت نمی‌نمود وبتدریج‌شعله‌های زیبا محبتی که در زوایای قلب خود نسبت بمن احساس مینمود خاموش میشود وهر روز از روز پیش سردتر وبی میل‌تر وحتی بی‌اعتناتر میشد .

فهمیدم کار از کار گذشت وبرگردانیدن‌سیل عظیم بدبینی وسوءظنی که تمام روح اورا تسخیر نموده است ممکن نمیباشد هرچه فکر کردم حالا چه کنم ودست توسل بدامن کی دراز نمایم جائی بعقلم نرسید .

خواستم از پدرم استمداد کنم ترسیدم دست ردبر سینه‌ام نهد و با نیش زبان طردم نماید و ازمادر خواهران و برادران خود نیز نتوانستم استفاده‌ائی نمایم ودر پی پیدا نمودن راه حل مدتها فکر می‌نمودم واین دل سرگشته خودرا واله و حیران نگاه داشتم .

یکروز بی‌اختیار از خانه خارج شده بودم ودر پیچ خیابان پهلوی بیکی از دوستان خود که زمانی همدرس و همکلاس بودیم برخورد نمودم مثل اینکه دنیائی را بمن داده باشند‌بی‌مهابا دست‌در‌دست او گذاشتم وپس از تبادل تعارف اورا باخود بسمت نهر کرج میکشیدم واز اینکه اورا دیده بودم زیاد خوشحال بودم واشك شوق از دیدگان من - این دیدگانی که هنوز کور نشده است وبه جرم همدی حیله گیری بینائی خود را از دست نداده است .

چون مر وارید غلطان - برایگان نصیب زمین میشد .

بقیه در شماره آینده

کتابخانه مجلس شورای ملی

تهران

جرائده مبادله شده

روزنامه افشین

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
تقی جفرودی
اداره در حك و اصلاح مقالات مختار است
وجه آبونمان
سالیانه ۸۰ ریال
ششماهه ۵۰ ریال
یکماه ۳۰ ریال
محل اداره . تهران خیابان ناصرخسرو

سه‌شنبه ۵ شهریور ۱۳۳۰ تکشماره ۲ ریال شماره ۷

سئوال از وکلای گیلان و طوالش

برای معرفی وحسن خدمت شما بموکلین و هموطنان و اعلام زحماتی که برای رفاهیت رآی دهندگان خود متحمل شده‌اید خواهشمندیم فهرست کارهائی که در اصلاح وعمران و تأمین بهداشت و فرهنگ و ترقی سطح زندگی ورفع فقر و بیماری و بیکاری حوزهٔ انتخابی تاکنون انجام داده‌اید بدفتر روزنامه ارسال دارید . این سئوال تاوصول پاسخ مرتباً درشماره های این روزنامه هد شد

شین - چون تاکنون وکلای گیلان نتوانسته و یا نخواسته اکه درزمان وکالت برای حوزه انتخاباتی انجام داده‌اند تشریح ت خدمت موجود نبود) اینك برای روشن شدن اذهان عمومی ازاین د ما تخلفات و زیانهائی را که نسبت به حوزه انتخابی خود زده‌اند تشریح خواهیم نمود و درضمن خواسته های مردم گیلانی نگاریم و ازنمایندگانی که بعداً انتخاب خواهند شد جداً انجام آنرا میخواهیم .

دکتر مصدق در اثر قطع مذاکره با هیئت

اعزامی انگلستان بار دیگر لیاقت و شایستگی خود را بجهانیان اثبات و به محبوبیت خویش افزود

دوشمارهٔ قبل پیش بینی نموده بودیم که تقریباً آقای استاکس با چهرهٔ عبوس وسبیلهای آویخته خاك ما را ترك مینماید وجریان روزهای آخرهفته گذشته حدس ما را بیقین مبدل و پیشگوئی ما نیز صورت حقیقت بخود گرفت و آقای دکتر مصدق باردیگرثابت نمود که اصولا اهل بزم نبوده و برای حفظ منافع کشورهمواره برای رزم آماده است و مسلم گردید که رهبر ملت برای افکار عمومی ارزش قائل بوده و برخلاف مصالح میهن گامی برنمیدارد ...

گرچه از آغاز تشکیل کنفرانس صاحبقرانیه دراثر استتاربودن مذاکرات اعضاء دولت وسایرهمکاران ایشان در مظان اتهام قرار گرفته و بعضی از روزنامه‌ها هم سازش خطرناکی راپیش‌بینی والمراد روشن فکر کشوربرای استماع اعلامیه رسمی دولت دستخوش هیجان عجیبی واقع ودرنهایت اضطراب ونگرانی منتظر نتیجه مذاکره بوده‌اند تا اینکه پس از یك سلسله انتظارحقیقت امرتجلی ورئیس‌دولت جریان کنفرانس‌را مشروحاً درمجلس سنا و شورا بیان نموده و حسن تدبیرونحوهٔ عمل ایشان مورد تأیید و پشتیبانی اکثریت نمایندگان واقع ومبرهن گردید که آقای استاکس مهردار سلطنتی انگلیس میخواست با تغییروتبدیل پیشنهاد سابق جکسون دکترمصدق راانغفال نماید زیرا درابتداء کنفرانس با یك تردستی و مانورماهرانهٔ همان پیشنهاد اسبق را در لفافهٔ ابهام بدولت تسلیم نمود ..

آقای استاکس با اینکه اظهار داشته که ۳۰سال‌تمام با ایرانیان آشنائی داشته و به روحیه و اخلاق آنان واقف است .

متأسفانه در هنگام عمل خلاف گفته ایشان ثابت گردیده ومعلوم شد که ابداً ازافکار وعقاید ایرانیان اطلاعی نداشته و این صحبت های فریبنده مانند همان ادعائی بود که مسترموریسن امنتی وزیرسابق امورخارجه ولیدرهای حزب محافظه کار انگلستان غالباً کرده و معتقد بودند که ایرانی را باید همیشه گرسنه و نیازمند نگاه داشت تا آخرین رمق او را گرفت ..

بقیه در صفحه ٤

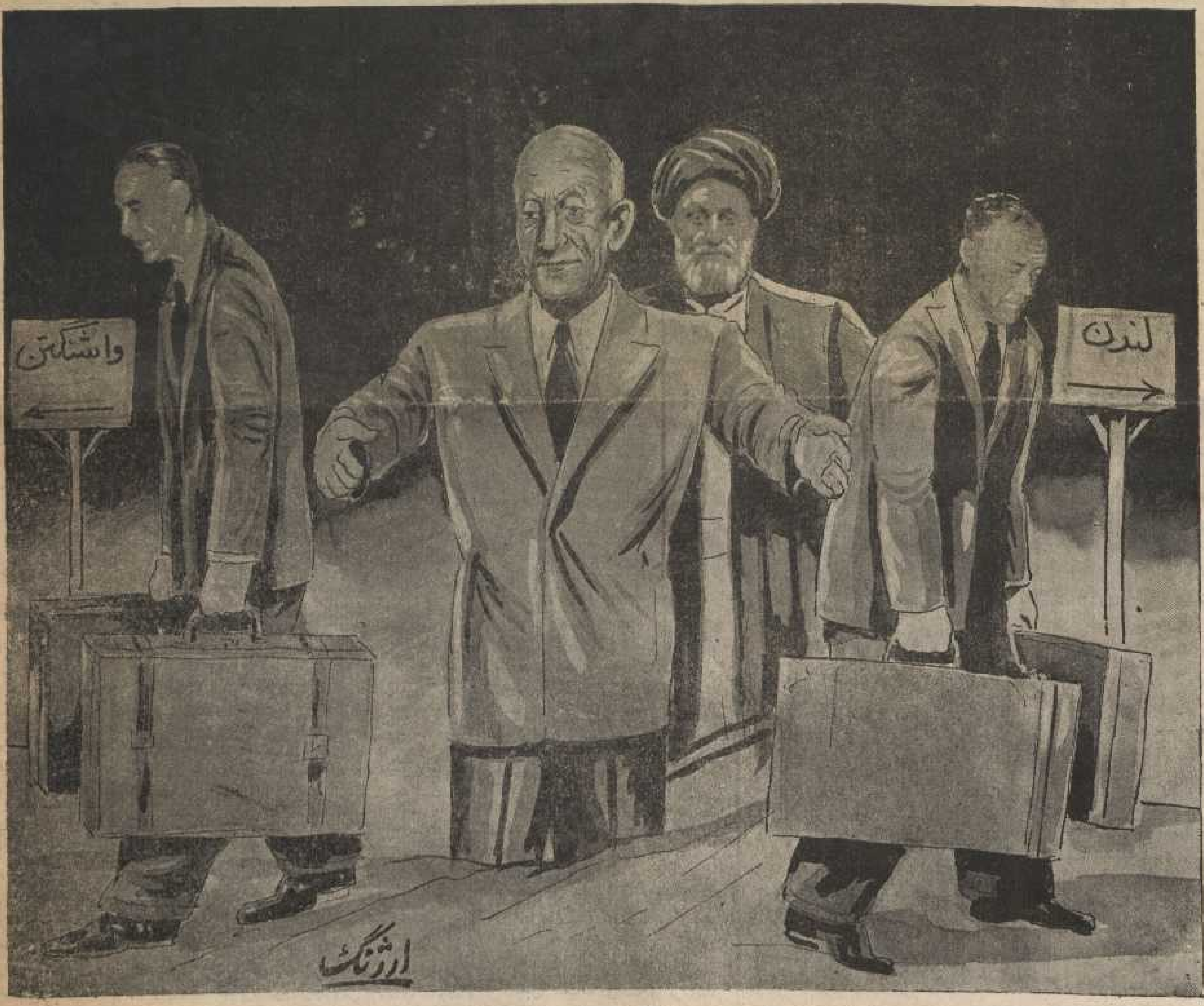

اخبار مخصوص ما

ماجرای استاندار گیلان — حریق عمدی دادسرای اردبیل حراج منقل وافور طلای محمد علی نصرتیان از طرف دربار — مورد تعرض و تهاجم واقع شدن عمود عمودی در بندر پهلوی انتصاب وزیر دادگستری — ورود آقای صدرائی اشکوری و محمد علی دادور

بقیه در صفحه ۳

بقلم : ن . ی

سوم شهریور

یا ننگین ترین صفحه تاریخ ایران

درست ده سال قبل در چنین موقعی آفتاب مجد وعظمت ایران عزیز در پس ابرهای تیره وتار حمله ناگهانی متفقین غروب نمود و پرتو پر فروغ افتخارات درخشان تاریخی کشور ما یکباره بزوال وخاموشی گرائید و بر فتوحات نمایان و صفحه های طلائین ومشعشع تاریخی نیاکان ما قلم بطلان واضمحلال کشیده شد .

قوای بیگانه بدون رعایت مقررات بین الملل و بدون حمایت از حقوق ملل ضعیف ناجوانمردانه بااستفاده از تصمیمات جاهلانه وناشیانه زمامداران خائن ما از چند طرف وارد کشور بیطرف ایران گردیدند .

آنچه را که نابغه عظیم‌الشأن و فرماندار کل قوا : بنام «ارتش» تجهیز کرده بود در یك چشم بهمزدن از هم پاشیده شد . رجال پوسیده وخائن وزره و بله قربان گو ، باوارد کردن بزرگترین جنایتها بملت یکباره عنان اختیار را از کف بی کفایت خود رها ساختند و برای پر کردن جیب خود جانب خصم رااختیار نمودند .

ترجمه مهندس نیکروش

اشراف زاده‌ها از مسافرت

بجنوب و دیدن بـــزرگترین تصفیه‌خانه دنیا نفرت دارند

دکتر مصدق امسال یکساعت استراحت واقعی نکرد

آیت‌الله کاشانی بزرگترین مرد والامقام مذهبی ایرانست

درصفحه۳

قتل فجیع هوشنك یادگار

بدست مامورین جلاد شهربانی آبادان

سوء استفاده و اخاذیهای هنگفت ونامشروع

مامورین شهربانی آبادان

بیوگرافی قائمقام رفیع

درصفحه۲

بقیه از صفحه ۱

آقای استاکس

... بگوئید دیگر بر پیکر محتضر امپراطوری واستعمار نوحه سرائی نمایند وما را ازهیاهو وجاروجنجال سیاسی و اقتصادی نترسانند

آرمان عمومی ما استقلال است یا مرگ . ایرانی امروز ایرانی دیروز نیست و برای اوشرق وغرب ، شمال وجنوب ، موجود نیست . ایرانی امروز که از فرزندان رشیدرادمردان وشیرافکنان ساکنین همین سرزمینند ازهیچ چیزی نمیترسند وازتهدید نمی‌هراسند . جان برکف بامتانت ومحکم به پیش میروند

اراده آهنین مردان جهان

امروزرخنه نمی‌پذیرد ومیخواهند بسیلندر گزاران انگلیسی بگویند که ازوخامت گران جائی بیاندیشند .

... بگوئید دیگرطاقت ساکنین این سرزمین طاق شده و درهیچ کس تاب و توانی باقی نمانده است

بگوئید که با چشم خود دیده‌اید که چگونه نفر برصاحبان الماس سیاه حکومت میکنند وچسان نیروی جهل وعدم بهداشت حلقوم افراد اینکشوررا بسختی میفشارد .

آقای استاکس شما انگلیسها همیشه از عدالت اجتماعی وانسانیت سنك سنگینی بسینه میزنید

شما وساکنین آنطرف رود تایمز که بنام بشردوستی درتکاپوهستید چگونه درهر کجا رخنه کرده‌اید جز نکبت وبدبختی ثمری نداشته‌اید . این چه نوع بشردوستی وانسانیت است که در خانه صاحب خانه درلباس تزویر وریا دست به‌ایجاد یك سلسله ازموحشترین اقداماتی میزنید که : راووند کارآن شرم‌آوراست . سالیان دراز بنام شرکت کمپانی هند شرقی در سرزمین حاصلخیز و پرجمعیت هندوستان رخنه نموده‌اید وعاقبت مهر کشورمشترك المنافع را بردامن آن زده‌اید . مظالم شما بر آنکشور بحدی رسیده بود که مردم‌شراقتمند آنمنطقه برهبری قائدین توانا زنجیراسارت راگسستند وقدم درآستانه استقلال گذاشته‌اند

درخاورمیانه شما تا توانسته‌اید مانند زالورخنه نموده‌اید آهسته آهسته خون زندگی ساکنین آنها را مکیده‌اید وهنوزهم ادعاهای شما بیشترو بازهم در لفافه‌های بشر دوستی وزیر ماسك ریای انسانیت وهم بستگی حاضر نمیشوید ازاین سرزمین خارج شوید

..آقـای استاکس بگوئید نه تنها مردم ایران بلکه تمام افراد خاور میانه از این نوع بشر دوستی بیزار و متنفر شده‌اند

بگوئید دیگر پرده‌ها بالارفته وآنچه در پس پرده نهفته بود پیدا شد

مگر بامکیدن خون بشرحکومت و امپراطوری میشود کرد ؟

مگر این ترتیب حکومت کردن دائمی خواهد بود ؟

مـگر فراموش کرده‌اید که فواره چون بلند شود سرنکون شود ؟

مگر انگلیسها نمیدانند که دوره خوش گذرانی وسعادت سپری‌شده ؟

ما نمیتوانیم بیش ازاین ناظر این مناظر رقتبار باشیم

ما نمیتوانیم دردها و ناله هـای فرزندان خود را به بینیم .

مـا نمیخواهیم مورد نفرت پدران خود باشیم

ما نمیتوانیم شما را سیر وخود را گرسنه به بینیم . ما دیگر بهیچ قیدوشرطی تسلیم نمیشویم . ایران‌مال آن بیرزن ایرانی است که فرزندانودر اعتلای نام ایران جان بر کف گرفته است

آقای استاکس ازقول ما بچرچیل - مآبان انگلیسی بگوئید که مدتی صرف وقت کنند و تاریخ درخشان ما را ورق بزنند واز شعله های درخشان وافتخاراتی که در دوران امپراطوری خود داشتیم دیدگان خودرا خیره سازند وقدری بخود آیند ودیگر بآتش جنك دامن نزنند .و بیاد آورند که ما فرزندان همان شیران ودلیرانی هستیم که زمانی دنیا را ازنور تمدن خود خیره نموده‌بودند اگرنمره جنك بین‌المللی‌دوم بیداری مردم دنیا وموجب تضعیف امپراطوری انگلیسها شد تقصیر ما چیست ؟.

مگرشما مایلید مردم مدام درفقرو نکبت وجهل غوطه‌بخورند تا مجالس‌رقص وخوش گذرانی شما ها دایر باشد.

اگرامروزلطمه‌بحیثیت امپراطوری شما وارد شد واقتدار ظاهری گذشته را ازدست داده‌اید تصورنمیرود چندان مهم باشد چه کشورهائی که حقوق حیاتی‌خود را باجبارنثارشما مینموده‌اند امروزخود استیفا میکنند آیا واقعاً هنوز دنبال این عظمت خیالی خود واله و حیران باید بود ؟

آقای استاکس شما خوددراینکشور هستید وآنچه‌را ما نگفته‌ایم خود به بینید و بخاطرهمان انسانیت وبخاطرهمان بشر دوستی واقعی باولیای خود تذکر دهید و بی‌آنکه ما را ناراحت وخود راخسته نمائند ما راآزادگذارند و برای ماهمان خاطره دوستی را بگذارند وبروند .

ما با شما سرجنك نداریم فقط حقوق‌خود را که مدت نیم‌قرن تمام با عناوینی گوناگون ضایع نموده‌اند استیفا میکنیم برهبری پیشوایان عزیز خود آقایان دکتر مصدق وآیت‌الله کاشانی به پیش میرویم .

قیام ملی را برای احقاق حق نمیتوان با تهدید وتطمیع نابود نمود پشتوانه این قیام خون سرخ رنك پیروجوان روحانی وغیرروحانی است

آقای استاکس ایرانی غیر تمندامروز دیگرنه بشما ونه بهیچ اجنبی دیگر اجازه مداخله نمیدهد و بی پروا بگوئید که با دم شیر بازی ننمایند وراه خودرا درپیش گیرند

نامه سر گشاده

به پیشگاه اعلیحضرت همایونی

پادشاه بسلامت باد مملکت درامن وامان است ملت درکمال آسایش زندگی میکند

نمیدانم چگونه این مطالب باواقعیت را مینگارم که خود از نوشتن آن شرم داشته و نمیدانم چگونه بیان واقع را عرضه نمایم که زبانم از تشریح آن دچار لکنت میشود .

نمیدانم چگونه این چندسطر را به رشته تحریر آورم که دستم از نوشتن آن در اثر کثرت عصبانیت میلرزد .

اینهم شد زندگی اینهم شد رفتار. اینهم شد مملکت که اشخاص فاسد و خودخواه در تمام شئون کشور با نهایت بی پروائی وجسارت هرعملی را که بخواهند انجام داده و میدهند و هیچ مرجعی هم نیست به تخلفات و خودسری‌های آنها رسیدگی نموده و متخلفین راجای خود بنشاند .

اعلیحضرتا - تاجدارا

ملت شمارادوست دارند ولی افسوس اطرافیان شما با نهایت شهامت و خون سردی محبت ملت را بواسطه نرساندن مطالب حقه و درخواستهای مشروع به سمع آن پدرتاجدار مبدل به بغض و کینه مینمایند بدهرچند اطمینان دارم که این مطالب نیز مانند گذشته ، امروزونه هیچ روز دیگر بگوش آن محبوب ملت نخواهد رسید ولی وظیفه نامه نگاری ایجاب می نماید که مطالب واقعی را که ناشی از افکار ملت است بعرض برسانم و از اشخاص استفاده‌جو وجاه‌طلب هم بیم و هراس نداشته وبدون پروا بدرج این مقال اقدام نموده که شاید بادصبا مراتب تظلم ملت را بگوش آن پدر تاجدار برساند و دست این عناصر را کوتاه گرداند وتا آن شاهنشاه عدالت پرور بیشتر بناله‌های دادو انزجار مردم واقف شوند .

مشتی رجاله که بنام آجودان های کشوری و لشگری و نمایندگان تحمیلی که در دربار نفوذ دارند با خبرداری آقایان نورزاد - رئیس دفتر دربار - وهیراد - رئیس دفترمخصوص کلیه روزنامه هائی که به آن پدرتاجدار توسل جسته و برای عرض مطالب واقعی قدم برمیدارند از مطالعه حضور مبارکتان جلو گیری به عمل میآورند که تااز خواستهای ملت بی اطلاع باشید چه یقین دارند که بسر اثر این ناله‌ها و تقاضاها که بگوش آن پدر محبوب برسد مسلما اینگونه عناصر را طرد و دیگرمیدانی برای اسب تازی آنها و فشار برمردم ستمدیده را اجازه نخواهید داد اینك با صدای رسا فریاد میکشم که دقت بیشتری شود و این حرکات شیادان فاصله شمارا با ملت روزبروز وسیع تر خواهد کرد و امروز روزی است که صفوف فشردگی تمام ارکان دولت وملت نهایت ضرورت رادارد وباید این فاصله ها از بین برداشته شود و ازبین بردن آنها هم مقدور نیست بجز شنیدن درخواستها و رسیدگی به تعدیات وارده برملت چنانچه آقای هیراد ونورزاد مدعی‌اند که چنین اعمالی را انجام نمیدهند این مطالب را تکذیب نمایند تادلایل لازمه رادرشماره بعد این روزنامه درج نمائیم به امید بهبودی نامه‌ام راخاتمه میدهم

اگر دولت بحفظ جنگلهای

ماجرائی که برسر جنگهای کشور ما درمدتی کوتاه‌تر از بیست سال وارده آمده است بقدری رقت آور وغم‌انگیز است که اگر وضع کنونی آنها باسالهای گذشته مقایسه شود این نتیجه تلخ بدست میآید که جنگلهای گرانبهای ما یعنی بطور تقریب $\frac{1}{8}$ خاك ایران باسرعت عجیبی بسوی نابودی وویرانی میروند .

امروزعده‌ای دانسته ویا ندانسته از روی جهل ونادانی ویا عدم علاقه بمیهن این ثروت‌ملی راسفرهٔ روزی خود تصور کرده وباآلات قتاله ای بنام داس وتبر واره‌ببرحمانه بجان درختان افتاده وهر کس بنوعی‌بریشه کن کردن آنها مشغول میباشند .

دسته ای در مغز خام خود اندیشه تبدیل‌زمینهای جنگلی را باراضی زراعتی پرورانیده اندورعایای بیفرهنك آنها نیز بدون‌اینکه بفرجام این‌خیانت آگاه باشند کور کورانه نقشهٔ شوم اربابان خود را اجرامیکنند . **مگر کارگر یا زارع فقیر وگرسنه میتواند برای‌رهائی خود از چنك عفریت‌گرسنگی و برهنگی خواسته های نامشروع کارفرمایان را چشم وگوش‌بسته برآورده ننماید .** ؟ این گروه خود ریشه کن میکنند وآتش بجان‌جنگلهامی افکنند آنگاه بدستگاههای مرکزی و اداری جنگل حمله کرده ودشنام وناسزا میگویند زهی انصاف . . . .

پاره‌ای دیگر نیز که درختان‌راپس از تبدیل بصور مختلف در بازار عرضه میدارند بدون اطلاع و آشنائی باصول برداشت بمنظور بهره‌برداری چنان این ثروت ملی و پربها را حیف و میل کرده اند وآنچنان به کف بر کردن درختان جنگل مبادرت‌نموده‌اند که بهیچوجه ترمیم وجبران خسارات وارده وخرابکاریهای آنها باصرف‌هزینه‌های زیادمدت‌نسبتاً طولانی نیز مقدور نخواهد بود .

در این میان دسته‌ای هیزم‌شکن و هیزم‌فروش و کوره‌چی و زغالفروش نیز بسهم خویش مشغول غارت این هستی سرشار و خداداد بوده و باین ترتیب ما بادست خود بانجام‌نقشهٔ جاهلانه ای‌اقدام کرده‌ایم که برای تامین‌منافع آنی‌خویش این ودیعه که بما ارزانی شده است در شرف انهدام میباشد .

شاید امروز کمتر کسی از فواید بیشمار جنگل بی‌اطلاع باشد ویـا نداند که بااز بین رفتن آن تنظیم رطوبت هوا وخاك مختل گردیده وهرساله همچنانکه می بینیم ویامیشنویم خطر کم آبی مزارع مارا‌تهدیدمیکنندومارا‌به‌استانه گرسنگی و بالاخره قحطی که در انتظار اکثریت افرادمحروم‌این کشورنشسته‌است نزدیکتر مینماید . شاخ وبرك درختان جنگل‌بخار آب‌رابعدازوم‌دربیرامون خویش‌متمرکز ساخته وساقه وریشه آنها میزان آب و رطوبت را در داخل خاك بقدر کفایت تثبیت میکنند ودرنتیجه شرایط را برای نشوونمای گیاهان مزروعی مساعدمیسازد بالاخره فضای اطراف خود را همواره خرم وشاداب نگاهمیدارند علاوه براین جنگل سرمایه ایست که اگر روی‌اصول فنی از آن استفاده شود و برداشت آن متناسب بارویش سالیانه‌اش باشدمیتواند اضافه برتامین مایحتاج داخلی‌رقم بزرگی نیز از صادرات کشور را تشکیل دهدو باین ترتیب بسهم خود بربنیهٔ مالی این مملکت بیفزاید .

باتوجه باین‌اصول‌مسلم بیش ازاین بی‌اعتنائی وسستی‌درامرنگهداری‌جنگلها جایز نیست ودولت وملت باید همه باهم برای احیا وصیانت این ذخایر ملی اقدامات مجدانه بعمل آورند .

وظیفه دولت است درشرایط فعلی تخت ازپیشنهاد تخفیف بهای نفط‌برای مصرف داخلی کشور حمایت شدید خود رااعلام‌داشته وسپس‌باوضع‌قوانین کیفری **واجرای آنها** کسانی را که باانهدام جنگلها آیندهٔ کشور مارا دچار مخاطره مینمایند شدیداً تعقیب ومجازات کند .

وظیفهٔ همه افراد اصلاح‌طلب ومآل اندیش‌است که به‌پیمانکاران وکارفرمایان که بقطع بی‌رویه‌درختان جنگل کمر بسته اند وباکمال بیعدالتی به تاراج وچپاول این ثروت ملی پرداخته اند بفهمانند‌که عاقبت انهدام جنگل تیشه زدن بهستی این کشور فقیراست . به کسانی نیز که بفکر آبادانی‌جنگل‌وتبدیل آن‌بزمینهای زراعتی‌باقی هستندباید گفت که‌به آرزوی حکمروائی دروسعت‌بیشتری خاك بیحاصل که کم آبی میکشند سرمایه‌ایرا که در آن مصرف شده است بهدر دهد جنگلها را طعمهٔ‌حریق نبایدساخت ویاباکت‌زدن درختان آنها را بمرك تدریجی از بین نباید برد ونفرین نسل آینده راکه‌باید دراین آب وخاك زندگی کنند نباید به پشت‌سر گذاشت .صاحبان کوره‌وهیزم‌شکن رانیز باید وادار کرد که داس وتبرخود رابیوسنده وبیکناری نهند و از این آلات برای راندن کسانی که بناحق دست‌بجنگل دراز میکنند استفاده نمایند ومخصوصاً ما برای کوتاه کردن دست این‌عده‌ازچپاو - لگران خطرنـاك توجه دولت را برای کنار‌دن آنها باموریکه آنها رابی‌نیاز ازبهره‌برداری‌جنگل نماید جلب‌میکنیم . ماامروز بدستگاههای تبلیغاتی‌خود اعلام خطرمینمائیم ومیگوئیم بایدبرجزو برنامه‌های تبلیغاتی‌راجع بحفظ‌ونگهداری واحیای جنگلها وراه بهره‌برداری‌صحیح آنهـا و مراعات قوانین موضوعه بقدر کافی ولزوم وبطور مرتب ملت‌راارشاد وراهنمائی کرده وآنهارا از عواقب‌شوم انهدام جنگلها آگاه سازند در غیر این صورت پس‌ازچندسال اثری از درخت و جنگل باقی نخواهد ماند وناگزیر وضع کشاورزی آیندهٔ ایران بعلت فقدان ویا قلت آب‌وخیم‌ترمیشودبعلاوه برای تامین احتیاجات‌چوب‌داخلی کشور نیزبایدبدست نیاز بجانب ممالك بیگانه دراز کرد .

پایان

از مغزهای فرسوده و علیل

از دیرزمان گفته‌اند «عقل سالم در بدن سالم است» واین مطلب چنان‌پیش پا افتاده است که حتی بچه های مکتبی هم بفهم‌آن عادت کرده‌اند .

اصولا صاحبان مـغزعلیل و بیمار قدرت فهم و درك مطالب را ازدست میدهند و بعلت فقدان اراده هر تصمیمی که درباره موضوعی‌اتخاذ نمایندضعیف و مخدوش است و از نظرعلم پزشکی‌هم ثابت شده‌اشخاصی که‌اعصاب و مغزآنها بیماراست از حیث شعورواراده هم‌ضعیف بوده و قادر بـانجام هیچ‌کاری نخواهند بود .

معتادان بافیون و مبتلایان بـالکل افراطی نیز در زمره کسانی هستند کـه مشاعرآنها بطـور صحیح وطبیعی انجام وظیفه نمیکنند خصوصاً که درحالت سکر و یا خماری باشند .

اینقبیل اشخاص نه تنها از مشاغل حساس و مهم بلکه ازکار های عادی و ساده هم بایـد برکنار شوند و محتاج استراحت و مداوا هستند تا اعصاب‌خود و علیل‌آنان بهبودی یابد ومغز بتوانـد بطور صحیح وظایف محوله را انجـام دهد .

بهمین لحاظ است که در قـوانین اغلب کشورها از جمله قانون استخدامی ما پیش‌بینی شده و صـراحتا در اغلب موارد عدم اعتیاد بافیون والکل وعدم شهرت بفسق وفجور را شـرط ورود به ادارات دولتی و قبول عضویت مجالس مقننه و یا انجمن های بلـدی دانسته‌اند

متأسفانه و بلکه بدبختانه‌درمیان نمایندگان تحمیلی‌گیلان و کلائی هستند که علاوه از ابتلاء بامراض گوناگـون جسمی و روحی معتاد بـافیون و الکل بنحو افراط بوده و همیشه اوقات خمار باده ووافوراند .

حسن‌خان‌اکبر . چنان اعتیادبافیون والکل دارد که‌برطبق اقرار صریح‌خود او در نزد زعمای قوم فقط با مراعات دستور پزشك معالج اروپائی منحصر ب فرد ! خود و تسلیم برژیم دائمی طبیب میتواند نفسی بآسوده بیرون دهدو گرنه حتی قادر براه رفتن عادی هم نیست

محمدعلی نصرتیان ، ازشدت‌اعتیاد بالکل و ابتلاء بامراض گوناگون حتی قادر نیست لحظه‌ای در محلی‌آرام وبی حرکت و بدون تشنج اعضاء بسایستد . اساسا قوه استقامت ازاوسلب‌شده‌است.

قائمقام‌رفیع‌و کیل تحمیلی‌وغیرقانونی طوالش از اصل پیرو فرتوت و ناتوان است و ازکله بی مغز ومیان‌تهی اوجز همکاری باروسهای تزاری‌و اعدام دست جمعی آزادیخواهان‌افکار دیگری‌تراوش نخواهد کرد .

این وکیل بی موکل طبق مدارك موجوده ودلایل عدیده‌درجوانی‌عقیده‌ای جز محو ونابودی‌آزادیخواهان‌وروشن فکران نداشت وبهمین‌جهت بـا نقشهای گوناگون و باتقلب وتزویرخودراجزء اتباع روسیه معرفی ونقشه های منحوس و شوم خودرادرباره آزادیخواهان گیلان عملی میساخت امروز هم بهمان طـرز فکرمیکند . البته از افکار :وسیده او ثمره‌ای جزاین عاید مردم نخواهد شد

حال شما ای خوانندگان گرامی قضاوت کنید به بینید این مغزهای پوچ علیل لایق وکالت هستند ؟؟ ایـن افکار مالیخولیائی . و این اعصاب مختل و از کار افتاده و این مغز های علیل و بیمار و این اعضاء فاسد اجتماع واین دروان های ادواری بجـای اینکه در زوایای بیمارستانها و دارالمجانین‌ها و بادوبرت گورستانها و در اعماق زمین جابجا گوربگور شوند امروزی برروی صندلیهای بهارستان یعنی‌مجلس تقنیه و مرکز اقتدار کشور و کعبه‌آمال‌ملت تکیه زده و برای بنده وشما قانون وضع میکنند و نظارت در دخل وخرج کشور و بودجه های سازمانهای کشوری و لشگری مینمایند ؛ قوانین را جرح و تعدیل میکنند و در انعقاد و تنظیم‌قرارداد بادولتهای معظم دنیا شرکت و دخـالت مینمایند

البته با این ترتیب وضع ما بهتراز این نخواهدبود . وا گر ثمره‌داشت‌وبرخلاف آنان‌فقرعمومی‌وورشکستگی وبیچارگی وبیکاری . عدم امنیت وفقدان بهداشت و فرهنك باشد نباید متعجب بود .

آخر شما ای نمایندگان تحمیلی گیلان که بناحق‌و باتهدیدوتطمیع کرسی های مجلس را اشغال کرده‌اید تا امروز چه اقدام مثبت و چه عمل مفیدی بنفع موکلین گیلانی خود انجام داده‌اید؟ کنون درحوزه انتخابیه خودچه‌اصلاحی نموده‌اید ؟ بیلان عملیات ۲ ساله و شما چیست ؛ چراخجالت نمیکشید ؟

آیا جزاخلال و کار شکنی ، خرابکاری وبندوبست برای جلب منافع شخصی خودکاری انجام داده‌اید ؟ جز استقرار و حمایت‌از مامورین نادرست و شیاد و انتقال مامورین صالح و درستکار عملی انجام داده‌اید ؟!

آیـا حاصل انتخاب تحمیلی شما بر ملت و جلوس برصندلیهای مجلس جز عقب ماندگی و بیچارگی مو کلین گیلانی چیز دیگری‌است ؟!

اگر مدعی عمران و اصلاحات هستید و اگرادعا دارید که بنفع گیلان و گیلانی قدم مفیدی برداشته و عمل مثبتی انجام داده‌اید بفرمائید لااقل نمونه‌ای از اقدامات اصلاحی رابرای‌اطلاع‌واستحضار همگان اعلام دارید تاحس انزجار مردم بشما تقلیل و تسکین یابد .

ما از اول معتقد بوده و هستیم که عقل سالم در بدن سالم است و از مغزهای علیل و مغزهای فرسوده و مریض کاری ساخته نیست وبکار بردن این مغزها سرپی راهم برای محو این مغزهای پوچ شما بیهوده‌و اضافی میدانیم و از تمام گره‌های گره کرده مردم شرافتمند گیلان درآینده نزدیك برای‌چاره‌جوئی های بیدرمان شما ها کافی خواهد بس . وامونه‌های‌آن در انتخابات بر کله‌های پوچ شما فرود خواهد آمد و باطرد شما عالیجنابان از مجلس همیشه مردم‌ازافکارمالیخولیائی و احمقانه شماها راحت وآسوده خواهند شد .

بامیدآینده

آگهی حراج

بقیه‌ازصفحه۱

طبق ماده ۹۸۹ آقای دادستان در ۵۰ سال قبل میبایستی این املاك‌را بحراج میگذارده است چه ماده ۹۸۹ صراحت دارد .

ماده۹۸۹ - هرتبعه ایرانی که بدون رعایت‌مقررات بعداز سال ۱۲۸۰ شمسی تابعیت خارجی تحصیل کرده باشد تبعیت خارجی و کان لم‌یکن بوده‌وتبعه ایران شناخته میشود ولی درعین حال کلیه اموال غیر منقول او بااطلاع‌مدعی العموم محل‌بفروش رسیده وپس از وضع‌مخارج فروش قیمت آن باوداده‌خواهد شدو بعلاوه ازاشتغال‌بوزارت‌ومعاونت وزارت وعضویت مجالس مقننه وانجمن های ایالتی وولایتی و بلدی وهرگونه مشاغل دولتی محروم خواهد بود .

• • •

معلوم نیست که علت چه بوده که چنین‌عملی انجام نگردید وچطور شده است که سابقه او و تبعیت خارجی بودن او محرز بوده است امروز در کلیه قوانین ایران ذی‌نظر بوده وانظر میدهد یااین ماده باید فسخ شود یااجراء آن عملی گردد بقیه مطالب و گفتگو اینموضوع درشماره‌های آینده بحث خواهد شد